

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ • ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت

روزنامه

پنجشنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۴ • ۱۴ محرم ۱۴۴۷ • ۱۰ جولای ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۵۲ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۰ • اذان مغرب ۱۹:۴۳ • اذان صبح فردا ۳:۱۳ • طلوع آفتاب ۴:۵۷



اداره کل هواشناسی استان تهران از تداوم خیزش گردوخاک و وزش باد شدید تا خیلی شدید تا پنج روز آینده خبر داد. طی چند روز آینده در برخی نقاط به‌ویژه در نیمه جنوبی و غربی استان، گاهی وزش باد شدید تا خیلی شدید، خیزش و انتقال گردوخاک از استان‌های مجاور و کاهش کیفیت هوا مورد انتظار است. عکس: مرتضی زنگنه، ایستا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

ای یاران کجایید ؟ نغمه‌ای در دل آتش

روایت هوشنگ کامکار از خلق قطعه‌ای در میانه جنگ

می‌کند. او این قطعه را به مردم ایران تقدیم کرده است.

حالا که «ای یاران کجایید» را می‌شنویم، انگار بازتاب هراسی است که در دل مردمان این خاک جا خوش کرده بود یا شاید امیدی گمشده در دل آن تاریکی ۱۲روزه. آهنگ‌سازی که در کارنامه خود آثار باشکوهی چون بهاران آیدر و در گلستانه را دارد، به قول خودش در آن شب‌ها واسطه‌ای بوده که نغمه‌ها از جان و دلش عبور کرده است؛ برای همین تاکید می‌کند: خالق این قطعه مردمان هستند؛ این صدای آنان است، اما انگار تمام روح من در آن قرار گرفته است. او همچنین درباره روند ضبط قطعه می‌گوید: «در آن زمان امکان ضبط حرفه‌ای نداشتیم و هیچ چیز در اختیار نبود. فقط توانستم طرح اولیه را برای دوستی بفرستم تا با حداقل امکانات، نسخه‌ای کامپیوتری از آن بسازد و بعد که فضا کمی آرام‌تر شد، این قطعه را منتشر کردم».

«هوشنگ کامکار» یکی از ستون‌های موسیقی ایران است و طی دهه‌ها بسیار و همواره به چیزهایی فکر می‌کند که کسی جز او دغدغه‌اش نیست. آرام نشسته است در دفتر آموزشگاه اصیل کامکارها و تمام مدت به موسیقی ملی فکر می‌کند. به موسیقی کلاسیک، به نوآوری‌هایی که اصالت داشته باشد و به تربیت شاگردان در همان آموزشگاه قدیمی‌شان و همواره سعی می‌کند تاریخ رنج‌ها و غرور این سرزمین در آثارش منعکس شود. او مدام در حال نوشتن اثر جدید است. آثاری که موسیقی ایران بخت آن را نداشته تا همه‌شان منتشر شود و با این اوصاف «ای یاران کجایید» سندی است از شب‌های جنگ، شب‌های دفاع و همدلی و از روزگار سختی که مردمان این دیار از سر گذراندند. این قطعه برای همیشه تکه‌ای از حافظه ملت یکم باقی می‌ماند.

سمابابایی

است باز برای دل خود و لابد اگر فرصتی پیش آید برای ضبط آن با ارکستر بزرگ، باز هزینه‌هایش را به شکل شخصی انجام خواهد داد. او در آن روزهای پرتلاطم جنگ، در خانه خود در شمال غرب تهران کنار همسر و تنها دخترش ماند و با وجود آنکه امکانش را داشت، به جایی نرفت: «تهران شاید زادگاهم نباشد، اما خانه من است. این خاک، وطن من است و در روزهایی که سایه جنگ روی شهر بود، نمی‌توانستم از اینجا بروم. در نزدیکی‌های خانه من، جاهایی هدف قرار گرفت که صدای آن را می‌شنیدیم و همان روزها بود که این قطعه شکل گرفت. نمی‌دانم چه شد، اما میان آن‌همه صدا، نغمه‌ای در ذهنم شکل گرفت. من بی‌آنکه اراده‌ای داشته باشم، شروع به نوشتن این قطعه کردم. شاید به همین خاطر است که قطعه چندان بر اساس شاخصه‌های موسیقی علمی نوشته نشده است. کنترپوان، هارمونی و فرم را به شکل معمول نمی‌توان در آن جست‌وجو کرد».

آهنگ‌سازی این را می‌گوید که در این سال‌ها کنسرتو و کنسرتینوهای متعددی نگاشته است که بسیاری از آنان چون یک کلاس درس برای آهنگ‌سازان جوان عمل می‌کند. پوتم سمفونی‌های او نیز که توسط خوانندگان حرفه‌ای خوانده شده‌اند، توانسته‌اند در کنار مخاطبان خاص خود، مخاطبان عام را نیز به خود جلب کنند.

کامکار می‌گوید تاریخ، همواره داغ ننگ را بر پیشانی آغازگران جنگ حک

در روزهایی که خاک ایران بار دیگر طعم تلخ تجاوز بیگانه را چشید و آسمان تهران آکنده از غرش موشک‌ها و دود انفجارها بود، آهنگ‌سازی بزرگ، قطعه‌ای را با نام «ای یاران کجایید، خلق کرد. «هوشنگ کامکار» خود می‌گوید این قطعه دارای فرم و تکنیک‌های متداول موسیقی (که بسیار در آثار او شنیده و دیده شده) نیست، بلکه نغمه‌ای است که خود نمی‌داند از کجا روی یارتیتور نشست. انگار «ای یاران کجایید» فریادی از اعماق جان یک ملت بود: «خدا را شاهد می‌گیرم که نمی‌دانم این قطعه چطور ساخته شد. من اصلا خود را آهنگ‌ساز این قطعه نمی‌دانم».

آهنگ‌ساز برجسته موسیقی ایران، در تمام سال‌های عمر حرفه‌ای خویش، آثاری ساخته که می‌توان بازتابی از روزگاری دانست که در آن زیست کرده است؛ برای همین همه هست که قطعه «کجایید ای شهیدان خدایی» همچنان یکی از زیباترین قطعاتی است که می‌توان درباره دفاع از وطن در برابر تهاجم دشمن، شنید. آن قطعه در سال ۱۳۵۸ بر اساس شعری از مولانا برای خواننده، گروه کر و ارکستر سمفونیک تنظیم شد و اول بار، بردارش (بیژن کامکار) همراه با ارکستر سمفونیک تهران به رهبری «حشمت سنجری» آن را خواند و مدتی بعدتر «شهرام ناظری» اجرایش کرد.

سرپرست گروه کامکارها، در آن روزگار این کار را برای دل خود و به خرج خود ساخت: «آن موقع تازه ازدواج کرده بودم و این کار را به هزینه هدیه‌های ازدواجم ضبط کردم».

حالا قریب ۴۰ سال از ساخت آن قطعه می‌گذرد و وطن ببار دیگر در تهاجمی ناجوانمردانه قرار گرفته و این بار نیز کامکار، قطعه دیگری ساخته

زمین خوانی

نگران آسیب‌پذیری زلزله باشیم



مهدی زارع

تخمین خسارات و تلفات ایران در تجاوز نظامی ۱۲روزه اسرائیل و آمریکا شامل ترور فرماندهان و دانشمندان و حملات موشکی و بمباران منازل مسکونی مردم و عابران پیاده – مثلاً در میدان تجریش – و حملات موشکی، پهپادی و جنگ سایبری به بررسی کارشناسی دقیقی نیاز دارد. میزان تلفات تجاوز نظامی ۱۲روزه – ۱۱۰۰ شهید و ۴۷۵۰ نفر مجروح- اعلام شد. در این تجاوز نظامی علاوه بر منازل مسکونی مردم، زیرساخت‌های پدافند هوایی ایران مورد حملات سایبری و موشک‌های بالستیک قرار گرفت. کارخانه‌های پیهاد و تأسیسات هسته‌ای را با حمله به نظنز، فردو و اصفهان و برنامه هسته‌ای ایران احتمالا تا مدتی با تأخیر مواجه کرده است. تأسیسات و زیرساخت‌های نظامی و فرودگاه‌های تبریز و اصفهان، تهران و نواحی غربی کشور مورد حمله قرار گرفت. آسیب‌هایی به تأسیسات نفتی و پالایشگاهی ما در اثر حملات دشمن وارد شد. این تجاوز نظامی و تداوم تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا موجب تحمیل خسارت‌هایی به اقتصاد ملی ایران می‌شود و تولید ناخالص داخلی ایران در سال جاری کاهش می‌یابد.

این جنگ بر اساس آسیب‌های اعلام‌شده علاوه بر تلفات و جراحات انسانی، تاکنون میلیاردها دلار خسارت به ایران، به صورت مستقیم و غیرمستقیم وارد کرده است. ایران با خطرات قابل توجهی از جنگ، تروریسم و تحریم و سوانح طبیعی مانند زلزله، خشک‌سالی و سیلاب روبه‌روست. مقایسه آسیب‌پذیری بلندمدت، جنگ و سوانح انسان‌ساخت و مخاطرات طبیعی – به ویژه زلزله – می‌تواند ریسک‌های اقتصادی و انسانی ایران را شفاف‌تر کند. ایران به دلیل موقعیت زمین‌ساختی از زلزله‌خیزترین کشورهای جهان است. شهرهای بزرگ مانند تهران، تبریز، مشهد و کرج در مجاورت گسل‌های فعال قرار دارند. یک زلزله با بزرگای هفت در تهران می‌تواند باعث صدها هزار کشته، ده‌ها میلیاردها دلار خسارت و میلیون‌ها نفر آواره شود. بسیاری از ساختمان‌ها (به‌ویژه در شهرها) فاقد سازه‌های مقاوم در برابر زلزله هستند. اجرای سهل‌انگانه آیین‌نامه‌ها و ضوابط ساختمانی و

شاهنامه‌خوانی

داستان رستم وشغاد



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

فردوسی از پیر دانش‌پژوهی بازمی‌گوید که زال در پرده، برده‌ای داشت که نیکو رود (جنگ) می‌نواخت و آوایی دلنشین داشت و زال در پیران سالگی آرزوی آن کنیزک کرد و از او پرسری به کیتی بای نهاد که از ماه اندکی پیدا نبود و زال برای بالای بلندش و دیدار دلشیش از او شاد شد، چه بسیار به سام می‌مانست و خاندان سام از داشتن چنین پسری شادان شدند.

زال خواهان آن شد که از آینده او آگاه شود و ستاره‌شناسان و آینده‌نگران را از کشمیر و کابل فراخواند و آنان با زیج رومی بیه درگاه زال رفتند و چون ستاره‌شناسان ستاره او را بدیدند، از شگفتی به یکدیگر نگریستند و به زال گفتند: «از سپهر را در کودک جستیم، درفا که سپهر مهری به او ندارد و چون این کودک چوب‌چهر به مردی رسد و گرد و دلیر گردد، خاندان سام نیرم را تیه گرداند و شکستی دردناک برای این خاندان آورد تا آنجا که همه سیستان از او پرخروش می‌شود و ایرانشهر از آسیب او به جوش می‌آید به گونه‌ای که روزگار بر سیستانیان تلخ و تبه خواهد شد».



دل زال پرانده گشت و به دادار کیتی پناه برد و گفت: «تو همواره رهنمای من بوده‌ای و این سپهر گردان را پای داشته‌ای، پس برای خاندان من همچنان نیکویی بخواه که توان تو برترین است و خواسته تو فراتر از هر آرزوی ماست» و آن کودک خوب‌سیما را شغاد نام نهاد و چون از شیر مادر سیر شد، زال او را برپورد و جوانی دلارام و آرام و زودشنا گردید، بلندایی سرومانند و بازوانی سترگ یافت و چون سپهدار کابل بدو بنگرید او را شایسته تاج و تخت کیانی دید و او را به کابل فراخواند و دختر خود را به او داد تا از نژاد سام بهره‌ای داشته باشد. پادشاه کابل به هنگام روانه‌کردن دخترش به زابلستان کنجی سترگ به او بخشید و شغاد آن دختر و خانواده او را بسیار گرمای می‌داشت و چنان بود که همه‌ساله به اندازه یک چرم گاو شاه‌کابل برای زال و رستم باژ می‌فرستاد و شاه کابل اکنون که دخت خویش به پسر زال داده بود، امید داشت زابلیان از باژ خویش بگذرند و چون هنگام دادن باژ فرارسید و رستم خواستار آن شد، همه کابلستان به خروش آمد.

شغاد گرچه از کار برادر دزم شد، هیچ نگفت و کینه او را به دل گرفت و در نهان با شاه کابل گفت: «از کار کیتی سیر گشته‌ام، برادری که برای من ارجی نمی‌شناسد، من نیز آن برادر را گرامی نخواهم داشت؛ با این رفتار، او از مهتری خویش را به کهتری کشانده. باید دامی برای او بسازم و در کیتی بانگی برآورم که پژواک آن گوش‌های مردمان را بلرزاند».

بدین گونه شغاد و پدر همسرش با یکدیگر همسو و هم‌اندیشه شدند و نیرنگی باخندت که از ماه فراتر رفت. اکنون از زبان آن خردمند بشنو که از آن دو بداندیش چه در سر داشتند: شبی آن دو تا مدیدن روشنای روز چشم بر هم نگذاشتند و نیرنگ می‌باخندت تا نام رستم را از جهان کم کنند و دل و دیده زال را خیس و اشکین گردانند. آن‌گاه شغاد با شاه کابل گفت نیرنگی باخته است که به یاری آن رستم برای همیشه در کیتی کم خواهد شد.

شبى تا برآمد ز کوه آفتاب/ دو تن را سر اندر نیامد به خواب
که ما نام او از جهان کم کنیم/ دل و دیده زال پرغم کنیم.

روان‌خوانی

چه کار باید بکنیم

فاطمه زرگر، دکترای روان‌شناسی بالینی، درباره اینکه در شرایط کنونی افراد باید چه کاری برای بهبود حالشان انجام دهند، می‌گوید: «شاید مهم‌ترین کام در کاهش علائم پی‌تی‌اس‌دی یا کاهش علائمی که استرس را تجربه می‌کنیم، حتی اگر تشخیص پزشکی آن را نداشته باشیم، این است که آن عامل تروما و استرس‌زا را بتوانیم حذف کنیم یا کاهش دهیم. در حیطه کاری که به ما روان‌شناس‌ها مربوط می‌شود، شاید آنچه اکنون بتوانیم انجام دهیم این باشد که به مردم اطمینان بدهیم یا از مبادی مختلف این اطمینان را منتقل کنیم که شرایط امن است و ثبات دارد. این شاید مهم‌ترین عامل برای کاهش میزان استرس‌ها باشد. گروه‌های سنی متفاوت‌اند، ما با بزرگ‌ترها متفاوت از کودکان رفتار می‌کنیم.



ممکن است افراد پس از این وقایع، خلق منفی را تجربه کنند. ما اغلب می‌بینیم که اضطراب، وقتی در سطح بالایی و طی مدت زمانی ادامه پیدا می‌کند، بعد از آن انگار به‌طور ناگهانی فرو می‌ریزد و فرد دچار فرسودگی می‌شود. در این مرحله، ممکن است نشانه‌هایی از افسردگی بروز کنند. انگار که انسان مدتی درگیر یک جنگ برای بقا بوده و حالا انرژی‌اش تمام شده است. افراد ممکن است احساس افسردگی داشته باشند یا همچنان دچار اضطراب باشند».

این استاد دانشگاه گفت: «انتظار نداریم افراد در شرایط فعلی همان علائمی را نشان دهند که در زمان وقوع جنگ یا بحران داشتند. اگر همچنان به همان اندازه برانگیخته‌اند، حس بدی دارند یا نگران هستند، بهتر است با مشاور صحبت کنند و اگر علائم شدید بود، با کمک دارو و روان‌پزشک شدت علائم کاهش یابد».

این حسین کیست

که عالم همه دیوانه اوست...

کهریزک، پذیرای نذورات خیرین در ماه محرم

۰۴۴۷-۱۰۵۱-۰۸۷۰-۵۰۲۹

پرداخت آنلاین